

سهامی در آرزوی عدالت

فاطمه داوری



بیش از دو سال از اعلام و اجرای طرح پروسه سهام عدالت می‌گذرد و قرار بود تا پایان آذرماه امسال، سود مرحله اول سهامداران پرداخت شود. اما هنوز هم بحث و جدل‌ها پیرامون کارایی و یا بی‌فایده بودن اجرای این طرح در جریان است. مخالفین بر تجربیات شکست‌خورده دیگر کشورها در این زمینه و تکرار آن در ایران پای می‌فشارند و موافقین بر ایجاد عدالت و گسترش سهامداری در جامعه تا کید می‌کنند.



چه کسانی سهم می‌برند؟

تاکنون و در مرحله اول اجرای طرح چهار میلیون و نهصد هزار نفر از واجدین شرایط سهامدار شرکت‌های دولتی شده‌اند و بر اساس طرح سازمانی خصوصی‌سازی قرار است تا دهه فجر امسال ۲۱ میلیون نفر مشمولین این طرح، سهام عدالت را دریافت نمایند.

چهار گروه از افراد جامعه در ردیف گیرندگان سهام عدالت قرار دارند. اولین گروه افراد زیر پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند که جمعیتی در حدود ۶ میلیون نفر را در برمی‌گیرند. بازنشستگان گروه دوم هستند که از این سهام برخوردارند. دو گروه از افراد هم هستند که می‌توانند مستقیماً یا از طریق بورس اقدام به خرید نمایند که شرایط واگذاری به هر دو گروه به گفته‌ی

وزیر رفاه در آینده اعلام خواهد شد.

خانوارهای مشمول سهام عدالت، به ازای هر نفر ۵۰۰ هزار تومان، تا سقف ۲۵ میلیون ریال برای هر خانوار سهام دریافت می‌نمایند که در صورت بیشتر از ۵ نفر بودن اعضای خانوار این سقف تغییر نخواهد کرد.

تاکنون ۲۳۵۰ میلیارد تومان سهام ۱۴ شرکت بزرگ سودده دولتی به مشمولان واگذار شده است و اگر قرار باشد تعداد سهامداران به ۲۱ میلیون نفر برسد، ارزش ریالی سهام واگذار شده ۴۲ هزار میلیارد تومان خواهد شد که بیش از ارزش کل بورس در شرایط حاضر است.

تقسیم سود و راه‌های تأمین آن

در حال حاضر پرداخت سود مرحله اول سهام

عدالت در سراسر کشور آغاز شده و قرار است تا پایان آذر ماه به کلیه دارندگان سهام پرداخت شود. حیدری کرد زنگنه رییس سازمان خصوصی‌سازی، در این زمینه می‌گوید: از دو هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان سهمی که در مرحله اول واگذار شده حدود ۳۶۰ میلیارد تومان معادل ۱۵ درصد سود حاصل شده است که از این مقدار ۴۰ میلیارد تومان به شرکت‌های سرمایه‌گذاری، ۱۰۰ میلیارد تومان به تعاونی‌ها و دبیرخانه‌ها و ۱۰۰ میلیارد تومان مربوط به اقساط سال اول است که یک قسط آن به خزانه پرداخت شده و ۲۰۰ میلیارد تومان آن به هر نفر ۴۰ هزار تومان و به هر خانوار پنج نفری ۲۰۰ هزار تومان سالیانه سود خواهد رسید.

مدیر عامل کارگزاری سهام عدالت در خصوص

طرح بزرگ دولت برای برقراری عدالت اجتماعی روزی ۱۴۰ تومان برای دارندگان سهام عدالت سود به همراه داشته است

میزان سود هر یک از شرکت‌های حاضر در سبد سهام عدالت نیز گفته است: "شرکت‌های فولاد مبارکه ۱۴۳ میلیارد تومان، ملی مس ۱۱۰ میلیارد تومان، چادرملو ۱۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان، گل گهر ۷/۱۰ میلیارد تومان، سیمان دشتستان ۳/۴ میلیارد تومان، سیمان داراب ۲/۵ میلیارد تومان، فولاد آلیاژی ۷/۹ میلیارد تومان و کارخانجات مخابراتی دو میلیارد تومان را باید به شرکت کارگزاری سهام عدالت پرداخت کنند."

آنچه از شواهد پیداست، دولتمردان بر اساس وعده‌های داده شده خود در حال رساندن منافع شرکت‌های دولتی به اقشار آسیب‌پذیر هستند اما هنوز ابهامات و مشکلات قابل توجهی در راه تحقق اهداف بلندپروازانه سهام عدالت وجود دارد که در ادامه پس از مروری بر تجربه دیگر کشورها به آنها خواهیم پرداخت.

تجارب دیگران

خصوصی‌سازی کوپنی که ما از آن به عنوان سهام عدالت یاد می‌کنیم، اولین بار در اوایل دهه ۹۰ در کشورهای کمونیستی سابق به اجرا درآمده است. این روش تلاشی برای خصوصی‌سازی گسترده بود که خود از تغییر سیستم اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار تبعیت می‌کرد. ایده کلی طرح به این شکل بود که کلیه شرکت‌های دولتی به شرکت‌های سهامی عام تبدیل شوند و بر این اساس به هر یک از شهروندان بر حسب فرمولی خاص، تعدادی سهام تعلق می‌گرفت.

اولین کشوری که عملاً شرکت‌های دولتی خود را به صورت کوپن سهام میان مردم تقسیم کرد، چکسلواکی بود. سرعت اجرای آن به گونه‌ای بود که بدون توجه به پیامدها، این شیوه را تبدیل به الگویی موفق برای خصوصی‌سازی کرد. بانک جهانی پس از پایان دومین مرحله خصوصی‌سازی کوپنی در سال ۱۹۹۶ در کشور چک، کشورهای دیگر را دعوت به پیروی از این شیوه کرد.

پس از اینکه ۱۹ کشور جهان که بیشتر از کشورهای بلوک شرق بودند، از این روش استفاده کردند، در اواخر دهه ۹۰ پیامدهای منفی روش خصوصی‌سازی کوپنی بروز کرد که عبارت بودند از افزایش فقر، کاهش سطح درآمد ملی، افزایش شکاف درآمدی، افت کارایی و رقابت‌پذیری شرکت‌های واگذار شده و افزایش بیکاری. با ظهور این پیامدها که اقتصاد کشورهای اجراکننده آن را با چالش روبه‌رو ساخت طرح به کلی کنار گذاشته شد و پس از سال ۱۹۹۹ هیچ دولتی از این شیوه برای خصوصی‌سازی استفاده نکرده است.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده دلایل اصلی شکست را می‌توان در چند محور کلی طبقه‌بندی نمود: * در فرآیند اجرای طرح انگیزه‌های سیاسی به ارزیابی‌های اقتصادی غلبه داشته است. * تضعیف انگیزه‌های مدیران و کارگران به دلیل محروم ماندن از هر نوع تجدید ساختار در فعالیت‌های اقتصادی.

* عدم وجود منابع نقدی در صندوق‌های سرمایه‌گذاری برای تجدید ساختار شرکت‌های واگذار شده در اجرای طرح.

* انجام تبانی از سوی مدیران شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری که منجر به فساد مالی و در نهایت تاراج این شرکت‌ها و تشدید شکاف درآمدی در جامعه شد.

* به علت تاثیرپذیری شدید بازار سهام از شوک‌های سیاسی، طرح کوپن سهام التهابات سیاسی را به زندگی مردم و واحدهای اقتصادی تسری می‌داد.

سهام عدالت در مسیری پر پیچ و خم

اجرائی شدن سهام عدالت و دستیابی به اهداف موجود در طرح یکی از کلیدی‌ترین آرمان‌های دولت نهم محسوب می‌گردد که تلاش‌های قابل توجهی برای تحقق آن از سوی دولتمردان در جریان است. اما چالش‌های پیش روی این راهکار توزیع عدالت کم نیستند که در ادامه به برخی از آنها خواهیم پرداخت. در بررسی اجرای طرح در ایران اولین چالش قابل توجه عدم انجام مطالعه‌ای جامع در رابطه با خصوصی‌سازی با این روش است که موجب تغییر زود هنگام مصوبات و مراحل اجرایی طرح شده است. به طور مثال سهام عدالت بر اساس مصوبه ۱۳۸۴/۸/۱۱ قرار بود به تمام خانوارهای ایرانی اعطا شود ولی پس از تصویب و مواجه شدن با مشکلات پیش رو این طرح در مصوبه ۱۳۸۵/۸/۲۱ فقط دو دهک را شامل شد و پس از این نیز با تصمیم ستاد به سه دهک افزایش یافت. تصویب چندین اساسنامه برای شرکت واگذاری سهام عدالت و در نهایت تصمیم بر انحلال آن و ایجاد بازار فرا بورس (OTC) همگی نشان‌دهنده ضعف مطالعاتی در قبل از شروع فرآیندهای اجرایی است و نشان می‌دهد که مسوولان اجرایی طرح با روش آزمون و خطا درصدد پی‌ریزی بنیان سهام عدالت هستند. با توجه به حجم بالایی از ذخایر کشور که با این مساله درگیر است. در پیش گرفتن راه آزمون و خطا بسیار خطرناک به نظر می‌رسد و می‌تواند منجر به بر باد رفتن منابع اقتصاد کشور شود.

هدف اصلی خصوصی‌سازی افزایش کارایی با استفاده از توان اجرایی و مدیریتی بخش خصوصی در کشور است. اما به نظر می‌رسد با اجرای طرح و شکل گرفتن تعداد قابل توجهی از سهامداران خرد این هدف قابل تحقق نباشد. هر چند مجریان بر افزایش حضور اقشار آسیب‌پذیر در عرصه اقتصادی



تاکید می‌کنند، اما چه تضمینی برای حضور موثر این قشر و جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی قابل پیش‌بینی برای آنها وجود دارد؟

بیان ارقام درشت از سوی مسوولان پیرامون سهام عدالت و تاکیدات مداوم بر آنها توقعات قابل توجهی در میان مردم شکل داده است، اما با تقسیم این ارقام بر تعداد افراد مشمول به ارقامی می‌رسیم که چندان هم مشکلی از زندگی سهامداران حل نمی‌کند. در واقع با در نظر گرفتن سود ۴۰ هزار تومانی در هر سال بر یک سهامدار مشخص می‌گردد در شرایط حاضر از بعد درآمدی این راهکار تأثیری بر اقسار آسیب‌پذیر نخواهد داشت. اما تاکید دیگر طراحان بر افزایش دارایی این افراد است که در حدود ۲ میلیون تومان دارایی دارای بازدهی به سبد خانوار می‌افزاید. اما باز هم این سوال مطرح می‌شود که بازدهی این دارایی چه تأثیرات مثبتی بر سبد خانوار می‌گذارد و در مقابل چه هزینه‌هایی تحمیل می‌نماید؟

بحث قابل اشاره دیگر گسترده شدن سریع بازار سرمایه است. چرا که به واسطه این اتفاق، قشر عظیمی از جامعه با داشتن کمترین دانسته‌های اقتصادی وارد بازار سرمایه خواهد شد و نوسانات مداوم آن می‌تواند منجر به شکل‌گیری استرس و التهابات کاذب برای سهامداران گردد. از آنجا که هنوز بورس ایران در معیارهای کلیدی مانند شفافیت و تقارن اطلاعات با مشکل روبه‌رو است، حضور سهامداران کوچک می‌تواند فرصت مناسبی برای بورس‌بازان فراهم نماید تا از این فضا استفاده کرده و منافع بازار را به نفع خودشان جذب نمایند.

معضل قابل اشاره‌ی دیگر مساله شناسایی مسوولان طرح است. این مشکل به دلیل نبود نظام جامع مالیاتی که وضعیت درآمدی و مالی خانوارهای جامعه را منعکس کند، به وجود می‌آید. بر اساس نمونه‌گیری مرکز آمار در بهترین شرایط ۴۰ درصد از خانوارهای دهک اول درآمدی تحت نظام‌های حمایتی هستند و بقیه خانوارهای این دهک از هیچ پوشش حمایتی برخوردار نیستند و اسم آنها در هیچ لیستی قرار نگرفته است که به نظر می‌رسد اکثر این افراد در روستاها ساکن باشند. بنابراین دست یافتن به شناختی کامل از خانوارهای نیازمند حمایت با مسایل جدی روبه‌رو است و ممکن است هدف اصلی طرح را با چالش‌های جدی روبه‌رو نماید.

بحث توانمندسازی محرومان جامعه هم از اهداف قابل توجه طرح محسوب می‌شود. اما



بر اساس ارقام اعلام شده بایستی ۲۵۰ میلیارد تومان سود مرحله اول طرح میان ۵ میلیون نفر تقسیم گردد، یعنی سود هر نفر ۵۰ هزار تومان خواهد بود، که درآمد و نفع ماهانه ۴ هزار و ۲۰۰ تومان را برای آنها به ارمغان می‌آورد. این درآمد ۴۲۰۰ تومان در ماه یعنی آن که طرح بزرگ دولت برای برقراری عدالت اجتماعی روزی ۱۴۰ تومان برای دارندگان سهام عدالت سود به همراه داشته است. حال سوال اصلی این است که با این سود یک نفر چه دامنه‌ای از مشکلات اقتصادی خود را در طول یک سال می‌تواند حل نماید.

از سوی دیگر ایجاد فضای رانت جویی و فساد

اولین کشوری که عملاً شرکت‌های دولتی خود را به صورت کوین سهام میان مردم تقسیم کرد، چکسلواکی بود

مالی از دیگر چالش‌های رو در روی طرح است. چرا که پیچیدگی فوق‌العاده بالای فرآیندهای اجرایی و حسابداری طرح، امکان نظارت بر اجرای آن را برای مسوولان دشوار ساخته و در کنار پنهان‌کاری و نبود فضای باز و شفاف اطلاعاتی امکان درک آن را برای کارشناسان و عموم مردم دشوار خواهد ساخت. شکل‌گیری این فضا می‌تواند اثر معکوس بر اجرای عدالت در جامعه گذاشته و زمینه را برای ثروتمندتر شدن گروهی و فقیرتر شدن گروهی دیگر فراهم کند و از آن فراتر هم سرنوشت مدیریت شرکت‌های دولتی نامشخص خواهد بود.

در جمع‌بندی چالش‌ها می‌توان به گفته‌های محمد عباسپور اشاره کرد: "نمی‌توانیم ادعا کنیم که با واگذاری سهام عدالت تحول بزرگی در زندگی اقسار آسیب‌پذیر ایجاد خواهد شد و یا حتی تحول کوچکی در زندگی این اقسار ایجاد شود.

جمع‌بندی

سیاست‌گذاری اقتصادی از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا فراز و فرودهای بسیاری را تجربه می‌نماید. این گونه نیست که ما آنچه تصمیم گرفتیم همان هم به مرحله اجرا درآید. زیرا باید بسیاری پارامترها و زیرساخت‌های متناسب با طرح فراهم باشد تا به اهداف خود دست یابیم.

تجربه‌ی اجرایی خصوصی‌سازی کوپنی در کشورهای دیگر با شکست مواجه شده است. حال اگر ما قصد تجربه‌ای دوباره داریم باید با شناخت نقاط ضعف دیگران به راهکاری جدید دست یابیم که احتمال موفقیت‌مان هم افزایش یابد. اما طرح سهام عدالت بنابر شواهد موجود با کمترین کارشناسی و شناسایی ابعاد موضوع آغاز شد و در حال انجام است. با توجه به رقم ۴۲۰۰۰ میلیارد تومانی طرح اگر به ازای هر یک میلیارد تومان هم یک صفحه تحقیق و بررسی صورت می‌گرفت اکنون باید ۴۲۰۰۰ صفحه، اسناد پیرامون طرح موجود می‌بود. اما متأسفانه مجموعه اسناد از چند کتاب کم‌حجم فراتر نمی‌رود که آنها هم بیشتر دستورالعمل اجرایی است.

فقط می‌توان امید داشت آنچه در کشورهای بلوک شرق در اثر اجرای خصوصی‌سازی کوپنی اتفاق افتاد، در ایران به وقوع پیوندد، و علی‌رغم بسیاری کاستی‌ها طرح با موفقیت روبه‌رو شود، اما متأسفانه همیشه آنچه ما انتظار داریم به وقوع نمی‌پیوندد و با توجه به شواهد موجود زمینه مساعدی برای تحقق طرح وجود ندارد.